

ماهی

در آبیگر کوچکی ، سه ماهی زندگی می کردند . ماهی سبز ، زرنگ و باهوش بود ، ماهی نارنجی ، هوش کمتری داشت و ماهی قرمز ، کودن و کم عقل بود ...



در آبیگر کوچکی ، سه ماهی زندگی می کردند . ماهی سبز ، زرنگ و باهوش بود ، ماهی نارنجی ، هوش کمتری داشت و ماهی قرمز ، کودن و کم عقل بود .
 یک روز دو ماهیگیر از کنار آبیگر عبور کردند و قرار گذاشتند که تور خود را بیاورند تا ماهیها را بگیرند .
 سه ماهی حرفهای ماهیگیران را شنیدند .
 ماهی سبز ، که زرنگ و باهوش بود بدون اینکه وقت را از دست بدهد از راه باریکی که آبیگر را به جوی آبی وصل می کرد ، فرار کرد .
 فردا ماهیگیران رسیدند و راه آبیگر را بستند .
 ماهی نارنجی که تازه متوجه خطر شد ، پیش خودش گفت ، اگر زودتر فکر عاقلانه ای نکنم بدست ماهیگیران اسیر می شوم . پس خودش را به مردن زد و روی سطح آب آمد .
 یکی از ماهیگیران که فکر کرد این ماهی مرده است ، او را از داخل آبیگر گرفت و به طرف جوی آب پرت کرد ، و ماهی از این فرصت استفاده کرد و فرار کرد .
 ماهی قرمز که از عقل و فکر خود به موقع استفاده نکرد ، آنقدر به این طرف و آنطرف رفت تا در دام ماهیگیران افتاد